

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی

رسول خوانساری*

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۸

وهاب قلیچ**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۱

چکیده

با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، انگیزه مضاعفی فراهم شده است تا با استفاده از خط‌مشی‌های کلی در این سیاست‌ها، نظام اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو محقق شود و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام عینیت یابد. نظام بانکی به عنوان یکی از اجزای مهم در نظام اقتصادی کشور، نقش مهمی در تحقق و اجرای این سیاست‌ها برعهده دارد. در مقاله حاضر پس از تبیین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، تلاش می‌شود تا عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی شناسایی و رتبه‌بندی شود. به منظور شناسایی این عوامل از ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان استفاده شده و سپس با استفاده از روش تاپسیس فازی به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، عوامل مزبور اولویت‌بندی شده و میزان اهمیت آنها در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مشخص گردیده است. براساس نتایج تحقیق، شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی، استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان و پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کشور به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، بانکداری اسلامی، نظام بانکی، تاپسیس فازی

طبقه‌بندی JEL: H12, G21, E58

* دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه تهران و کارشناس پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی (نویسنده مسئول)
r.khansari@gmail.com

vahabghelich@gmail.com

** استادیار پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی

مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲) براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری نویدبخش حرکتی نو و تدبیری اثربخش در تقویت و مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصاد ملی و بارورسازی آن در سال‌های پیش رو است. سوال مهمی که در این زمینه طرح می‌شود آن است که نظام بانکی در یک اقتصاد مقاومتی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ چه اقداماتی را باید در اولویت برنامه‌های خویش قرار دهد و از چه اقداماتی بایستی پرهیز نماید؟

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است. اول آنکه مهمترین عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کدام‌اند؟ و دوم آنکه اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چگونه است؟ در این پژوهش ابتدا مهمترین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی معرفی شده و سپس تجارب مشابه در اقتصاد متعارف بیان می‌شود. در ادامه با بهره‌گیری از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قالب نظام بانکی تلاش شده تا مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحقق این سیاست‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و سپس با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و با استفاده از روش تاپسیس فازی به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره میزان اهمیت عوامل مختلف مشخص گردد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. مفهوم اقتصاد مقاومتی

عنوان «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات متعارف علم اقتصاد معادل دقیقی ندارد. از این رو می‌توان اذعان نمود این واژه برخاسته از فرهنگ اسلامی ایرانی کشور بوده و اصطلاح نوینی در ادبیات اقتصادی به شمار می‌آید. با کنکاش در منابع در می‌یابیم که اصطلاحاتی همچون ضدشکنندگی اقتصادی^۱، پایداری و تداوم اقتصادی^۲، استحکام و پیوستگی متقابل در اقتصاد^۳، ثبات اقتصاد کلان^۴، اقتصاد بازدارنده و بازدارندگی

اقتصادی،^۵ مقاوم بودن اقتصادها و نهادها،^۶ وضعیت ایستایی در اقتصاد،^۷ اقتصاد با وضعیت باثبات^۸ و تحریم شکنی در اقتصاد^۹ با مفهوم «اقتصاد مقاومتی» دارای قرابت می‌باشد؛ اما به ظاهر نزدیکترین اصطلاح به مفهوم اقتصاد مقاومتی (اقتصاد حمایتی)^{۱۰}، که به معنای ایجاد چتر حمایتی توسط سیاست‌های اقتصادی از یک موضع خاص همچون بخش تأمین انرژی و یا بخش تولید و کارآفرینی است.

آنگونه که از بیانات رهبر معظم انقلاب برمی‌آید اقتصاد مقاومتی، یک مفهوم گسترده با ریشه‌های اسلامی و بومی است که با مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی گره خورده است. اقتصاد مقاومتی یک الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که ضمن داشتن روند رو به رشد، در مقابل ترفندهای دشمنان از کمترین آسیب‌پذیری برخوردار است. اقتصاد مقاومتی، تاکتیکی موقت و زودگذر برای شرایط فعلی اقتصاد نیست، بلکه یک راهبرد بلندمدت و دائمی است که باعث می‌شود اقتصاد، در مقابل تکانه‌های اقتصادی و غیراقتصادی مقاوم شود. لازم به اشاره است که توجه به کلیدواژه‌هایی همچون رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا، کارآفرین، نوآوری و دانش‌بنیانی، رقابت‌پذیری، اصلاح الگوی مصرف می‌تواند مختصات و مشخصه‌های این نوع اقتصاد را بیش از پیش برای ما روشن سازد.

۲-۱. تجربه جهانی

با مروری بر سیاست‌های اقتصادی کشورهای جهان درمی‌یابیم که ایران تنها کشوری نیست که قصد نموده تا اقتصاد خود را در برابر تکانه‌های داخلی و خارجی مقاوم‌سازی نماید. تجربیات نشان می‌دهد که قبل از ایران نیز برخی کشورها (هر چند به طور بخشی) به این سمت حرکت داشته‌اند که به علت تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی کشورها با یکدیگر، الگوپردازی صددرصدی دوکشور از یکدیگر مناسب نیست. گرچه به نظر می‌رسد مفهوم اقتصاد مقاومتی که مورد تأکید مقام معظم رهبری است،

مفهومی به مراتب عام‌تر و عمیق‌تر از آن چیزی است که در برخی کشورهای جهان وجود دارد. با وجود این، در این بخش سعی می‌شود چند نمونه از مقاوم‌سازی بخشی در اقتصاد جهانی معرفی شود.

۱-۲-۱. تجربه اقتصاد آمریکا

پس از بحران نفتی که در آن کشورهای عربی، آمریکا و غرب را تحریم کردند و همچنین بعد از وقوع انقلاب اسلامی در کشور ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز جهان، اقتصاد آمریکا احساس نمود با چالش جدیدی مواجه شده است و از این‌رو برنامه‌ای برای مقاوم‌سازی بخش انرژی اقتصاد خود با عنوان «طرح امنیت انرژی» را برنامه‌ریزی نمود. روی آوردن به فناوری‌های نوین و کمتر انرژی‌بر، استفاده از انرژی‌های جایگزین‌های نفت، ذخیره‌سازی نفت برای روزهای بحرانی و... از جمله اقدامات اقتصاد آمریکا در مقاوم‌سازی بخش انرژی خود بوده است.

۱-۲-۲. تجربه اقتصاد ترکیه

کشور ترکیه پیش از آنکه با ایران قرارداد گازی منعقد سازد، کل واردات گاز خود را از کشور روسیه انجام می‌داد. در پی اقدام ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا و احتمال ایجاد چالش سیاسی و منطقه‌ای با کشور روسیه، این کشور تصمیم گرفت ایران را نیز در واردات گاز مورد نیاز خود سهم نماید، تا از این طریق، به مقاوم‌سازی بخش انرژی خود اقدام نموده باشد.

۱-۲-۳. توافقنامه بال ۳

بهترین شاهد بر تجربه جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد در نظام بانکی، ابلاغ توافقنامه‌های بال^{۱۱} از سوی کمیته نظارت بانکی بال^{۱۲} در بانک بین‌المللی تسویه (BIS) است. اولین مورد از توافقنامه‌های کمیته بال، توافقنامه بال ۱ بود که در سال ۱۹۸۸، ارائه شد (Basel Committee on Banking Supervision, 1988). پس از آن توافقنامه بال ۲،

در سال ۲۰۰۴ منتشر شد (Basel Committee on Banking Supervision, 2004). آخرین مورد این توافقنامه‌ها نیز مربوط به توافقنامه بال ۳ است که پس از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، به منظور تقویت بیشتر نظام بانکی از نظر مدیریت نقدینگی، حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه و... در سال ۲۰۱۰ منتشر شد (Basel Committee on Banking Supervision, 2010). توافقنامه‌های بال، شاخص‌ها و مدل‌هایی را برای مقابله با ریسک‌های عمده در نظام بانکی (همانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی) معرفی کرده‌اند. برای مثال در توافقنامه بال ۲، سه رکن حداقل الزامات سرمایه‌ای، فرایند بررسی نظارتی و نظم بازار به منظور استحکام بخشی به چارچوب مدیریت ریسک در بانک‌ها تبیین شده‌اند. همچنین براساس توافقنامه بال ۳، بانک‌ها باید سرمایه بیشتری برای مقابله با شرایط بحرانی در نظر بگیرند و دارایی‌های باکیفیت و نقدشونده‌تری نگه‌داری کنند. در این توافقنامه‌ها به نقش سرمایه به عنوان سپری^{۱۳} در مقابل زیان‌های شدید و اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان بانک‌ها توجه شده و تقویت چارچوب مدیریت ریسک بانک‌ها برای اجرای بهتر عملیات بانکی و آمادگی برای مقابله شرایط بحرانی مدنظر قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد، اقتصاد مقاومتی در ادبیات متعارف معادل دقیقی ندارد. لذا در اینجا به برخی پژوهش‌های داخلی که در زمینه اقتصاد مقاومتی انجام شده است، اشاره می‌شود.

ابوالحسنی و بهاروندی (۱۳۹۲) با معرفی اوراق دوسویه ارزی به عنوان روبه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی، آن را ابزاری مناسب برای پوشش ریسک‌های ارزی در اقتصاد کشور و نظام بانکی برشمرده‌اند.

سیف و خوشکلام خسروشاهی (۱۳۹۲) ضمن آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود، راهکارهایی برای پی‌ریزی نظام ارزی به معنی دقیق آن بیان کرده و سپس نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی را معرفی و پیشنهاد کرده‌اند. موسویان و عبداللهی (۱۳۹۲) با تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور، آن را به عنوان رهیافتی برای کمک به سیاستگذاران در طرح‌ریزی و اجرای عقود نظام بانکی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی کرده‌اند. ضعف‌ها و نارسایی مقررات و دستورالعمل‌ها، سیاست‌های پولی و اقتصادی دولت و بانک مرکزی، آگاهی کارکنان و مشتریان بانک نسبت به عقود بانکی و توجه به ریسک‌های عقود بانکی قبل از تخصیص، به عنوان مهمترین آسیب‌های شناسایی شده در این پژوهش می‌باشند. قلیچ (۱۳۹۳) با بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا، به برخی اقدامات لازم جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی اشاره کرده است. طبق نتایج این پژوهش از جمله محدودیت‌های شناسایی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا جهت پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی عبارتند از: عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از اقتصاد مقاومتی، عدم اشاره به الزام به همبستگی و هماهنگی نهادهای پولی و مالی با یکدیگر و فقدان برنامه جهت تحقق کامل بانکداری اسلامی.

۳. روش پژوهش

در این مقاله در ابتدا با استفاده از ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان، عوامل مؤثر بر تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی شناسایی شد. تعداد خبرگان در این مرحله ده نفر بوده که از میان صاحب‌نظران و کارشناسان نظام بانکی انتخاب شده‌اند یا بر اساس مصاحبه‌هایی که از آنها شده، در جهت استخراج عوامل مورد استفاده قرار گرفته است. در مرحله بعد با به‌کارگیری روش تاپسیس فازی^{۱۴}، به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره اولویت‌بندی شده‌اند (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۷).

در روش تاپسیس فازی، ساختار سلسله مراتبی دارای چهار سطح هدف (Goal)، معیارهای اصلی (MA)، معیارهای فرعی (SA) و گزینه‌ها (A) است. هر معیار اصلی دارای I_i معیار فرعی است. چن و هوانگ (۱۹۸۱) نه مرحله برای اجرای روش تاپسیس فازی (براساس اعداد فازی مثلثی) را در یک مسأله تصمیم‌گیری چندمعیاره ذکر کرده‌اند (آذر و فرجی، ۱۳۸۶؛ اصغرپور، ۱۳۸۱؛ عطائی، ۱۳۸۹):

۱. تشکیل ماتریس تصمیم؛
۲. تعیین ماتریس وزن معیارها؛
۳. بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم فازی؛
۴. تعیین ماتریس تصمیم فازی وزن‌دار؛
۵. یافتن راه‌حل ایده‌آل فازی و ضد ایده‌آل فازی؛
۶. محاسبه فاصله از راه‌حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل فازی؛
۷. محاسبه شاخص شباهت؛
۸. نرمال‌سازی شاخص شباهت؛
۹. رتبه‌بندی گزینه‌ها.

در روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه با استفاده از نظرات خبرگان، تعداد زیاد نمونه اهمیت چندانی ندارد، بلکه آنچه مهم‌تر است، انتخاب خبرگان مرتبط است. از این رو خبرگان مدنظر در این تحقیق از بین افراد متخصص و فعال در حوزه اقتصادی و مالی انتخاب شده‌اند. این خبرگان شامل اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان فعال در زمینه اقتصاد و مالی می‌باشند. از بین پرسشنامه‌های توزیع شده، ۲۳ پرسشنامه تکمیل شد که مبنای اولویت‌بندی عوامل قرار گرفته است.

۴. نتایج پژوهش

پس از بررسی ادبیات تحقیق و مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران نظام بانکی، بیست و هفت شاخص در رابطه با تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی شناسایی گردید که در سه گروه شاخص‌های درون‌نهادی (مربوط به خود بانک‌ها)، میان‌نهادی (مربوط به روابط شبکه بانکی) و فرانهادهی (مربوط به خارج از شبکه بانکی) دسته‌بندی شدند.

۴-۱. عوامل درون‌نهادی

۴-۱-۱. پایین بودن سطح مطالبات غیر جاری در نظام بانکی

مطالبات غیر جاری، در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نظام بانکی ما است که موجب بروز آسیب‌های زیادی از جمله پدید آمدن تنگنای اعتباری شده است. برای تحقق اقتصاد مقاومتی و تأمین مالی تولیدکنندگان داخلی در راستای حمایت از تولید ملی لازم است که منابع بانکی در دسترس باشد تا بنگاه‌های داخلی به ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مورد حمایت قرار گیرند. به منظور تخصیص مناسب منابع در نظام بانکی، لازم است که ابتدا مشکل مطالبات غیر جاری برطرف شود. چرا که بالا بودن میزان مطالبات غیر جاری، منابع بانکی را از چرخه اعطای تسهیلات خارج می‌کند و علاوه بر تحمیل خسارت به نظام بانکی، متقاضیان واقعی را از دریافت تسهیلات محروم می‌سازد. ضمن اینکه با تخصیص نامناسب منابع بانکی و بالا رفتن مطالبات غیر جاری، اعتماد سپرده‌گذاران نیز برای گذاشتن وجوه خود در بانک‌ها کاهش می‌یابد.

۴-۱-۲. استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان

به منظور جلوگیری از افزایش مطالبات معوق لازم است که مشتریان و متقاضیان تسهیلات بانکی بر اساس یک نظام اعتبارسنجی دقیق مورد بررسی قرار گیرند. این امر موجب می‌شود تا منابع بانکی به سمت مجاری مطمئن‌تر هدایت شود و افزون بر آن،

می‌توان اوراق بهادار و ابزارهای مالی را با توجه به مختصات ریسک و بازده آنها و براساس سلیقه‌های گوناگون در مشتریان عرضه کرد.

در بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا اشاره شده است. اعتبارسنجی مشتریان بانکی یکی از اقداماتی است که نقش بسیار مهمی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد ایفا می‌کند. زیرا در سامانه‌های اعتبارسنجی سوابق اعتباری افراد ثبت می‌شود و نه تنها در نظام بانکی از آن استفاده می‌شود، بلکه حتی در زمینه‌های دیگر مانند معاملات تجاری، اشتغال به کار و... نیز می‌توان از شناسنامه اعتباری افراد استفاده کرد و این امر زمینه کاهش بسیاری از فسادها و تخلفات را فراهم می‌سازد.

۴-۱-۳. عدم ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها

فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تضاد شدید با مفاهیم اولیه اقتصاد مقاومتی است. گرچه عمده بار اصلاح و جهت‌دهی فرهنگ مصرفی مردم به عهده سایر نهادها و متولیان امور فرهنگی است، ولی لازم است بانک مرکزی با اقداماتی همچون نظارت بر تبلیغات بانک‌ها، مانع ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در بین آحاد جامعه شود (کرانک، ۱۳۸۸).

۴-۱-۴. مقاوم‌سازی و بومی‌سازی بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات در نظام بانکی

چنانچه زیرساخت‌های نظام بانکی در حوزه فناوری اطلاعات بیش از حد بر محصولات و خدمات خارجی متکی باشد، آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل اعمال تحریم‌های مالی و نیز حملات سایبری خواهد داشت. از آنجا که یکی از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی، مقاوم‌سازی بخش‌های درونی در مقابل اثرات مخرب نیروهای بیگانه و مهاجم است؛ بومی‌سازی دانش فناوری اطلاعات و بانکداری الکترونیک باعث می‌شود که اقتصاد ما در بخش بانکی، بیشتر مقاوم باشد. نمونه اقدامات صورت گرفته در این زمینه طراحی سامانه پیام‌رسان الکترونیکی مالی (سپام) به جای سوئیفت است که به

منظور الکترونیکی شدن مراودات بانکی و ایجاد زیرساخت یکپارچه خدمات‌رسانی توسط بانک مرکزی ایجاد شد. عدم طراحی این‌گونه سامانه‌های بومی موجب می‌شود تا در مواقع تحریم، به دلیل وابستگی فنی ارائه خدمات بانکی با اختلال روبه‌رو شود.

۴-۱-۵. بالا بودن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در نظام بانکی

تقویت اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر است که با امر آموزش و پرورش خلایق‌ها در نظام بانکی به وجود می‌آید و منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری نظام بانکی، کاهش هزینه‌های غیرضروری و ریسک‌های عملیاتی شده و امکان اشتباه و خطای انسانی، پولشویی، فسادورزی و تخلفات پولی و مالی در این بخش را به حداقل می‌رساند. وجود آموزش‌های تخصصی موجب می‌شود تا هر یک از ارکان نظام بانکی در انجام وظایف خود بهتر عمل کنند. برای مثال کارکنان بانک‌ها با کسب توانمندی‌های لازم می‌توانند محصولات جدیدتر و متنوع‌تری متناسب با نیازهای مشتریان پیشنهاد دهند و مدیران بانکی نیز با چالش کمتری برای اجرای سیاست‌ها و راهبردهای کلان روبه‌رو خواهند بود.

۴-۱-۶. تناسب سطح کمی نیروی انسانی در نظام بانکی به منظور مدیریت هزینه‌ها

برای مقاوم بودن اقتصاد، لازم است سطح هزینه‌های غیرضروری و بیهوده پایین باشد و مخارج سازمان‌ها و نهادها به نحو مطلوبی مدیریت شود. مدیریت سطح کمی سرمایه انسانی بانک‌های دولتی به منظور منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف فعالیت‌های موازی و بیهوده و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور از دیگر الزامات اقتصاد مقاومتی در نظام بانکداری کشور به حساب می‌آید. از این‌رو توجه به خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی و مدیریت منابع انسانی و منابع مالی در بانک‌های دولتی می‌تواند کمک کند تا حجم دولت متناسب با نیاز اقتصاد کشور باشد و زمینه فعالیت بخش خصوصی و تعاونی بیشتر فراهم گردد.

۴-۱-۷. فعالیت‌های پژوهش و توسعه (R&D) در راستای مقاوم‌سازی نظام بانکی

امروزه در اقتصاد جهانی، پژوهش و توسعه به منظور کشف و دریافت روش‌های نوین ایجاد ارزش افزوده و مدیریت بهتر ریسک‌های گوناگون، به یکی از الزامات انکارناپذیر توسعه و رشد اقتصادی تبدیل شده است. از این‌رو انجام پژوهش و توسعه با هدف شناخت مسیرهای جدید ارتقاء و بالندگی، افزایش انعطاف‌پذیری و در نهایت مقاوم‌سازی ساختارها و بنیان‌های نظام مالی در برابر جدیدترین خطرات و شکست‌های مالی از مهم‌ترین الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. برای مثال برخی نیازها مانند کارت اعتباری در نظام بانکی وجود دارد که استفاده از آن مستلزم بررسی و پژوهش کافی درباره نحوه طراحی محصول مناسب و تبعات و پیامدهای استفاده از این محصول در نظام بانکی است. زیرا در غیر این صورت ممکن است طرح‌هایی به اجرا در آیند که پیامد نهایی آنها طولانی شدن فرآیندها و از دست دادن زمان، افزایش هزینه‌ها، افت کارایی و اثربخشی و در نتیجه شکست طرح باشد.

۴-۱-۸. وجود سازوکارهای اطمینان‌بخشی به سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها

افزایش فناوری و توسعه امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، امری است که حرکت سرمایه‌ها را به محض انتشار خبرهای نگران‌کننده بیش از پیش راحت‌تر نموده است. این حقیقت موجب آن شده است که نظام‌های مالی در جهان حساب ویژه‌ای برای اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران باز نموده و برنامه‌های مفیدی را جهت صیانت‌بخشی به سرمایه‌ها در برابر شوک‌ها و خطرات احتمالی ترتیب دهند. از این‌رو اقتصاد مقاوم، نیازمند سازوکارهای اطمینان‌بخش به سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها و سرمایه‌ها است. البته تاکنون اقدامات و فعالیت‌هایی همچون بیمه سپرده در شبکه بانکی در حال پیگیری است، ولی لازم است این‌گونه فعالیت‌ها با شتاب بیشتری به سرانجام برسند.

۴-۱-۹. سهولت رویه‌های بانکی جهت تشویق صادرات

اتکای بیش از حد به صادرات نفتی، ضمن کاهش سریع سرمایه‌های ملی و ثروت میان نسلی، موجب وابستگی شدید به واردات و شکنندگی اقتصاد خواهد شد. حمایت بانک‌ها از بخش صادرات غیرنفتی با اعطای تسهیلات هدفمند، می‌تواند طی یک برنامه عملیاتی سهم این نوع صادرات را در تولید ناخالص داخلی کشور افزایش دهد. در این راستا بانک مرکزی و بانک‌ها می‌توانند با حمایت از صنایع و بنگاه‌های فعال متناسب با هر حوزه جغرافیایی، به تقویت تولید و رشد صادرات متناسب با سیاست‌های کلی آمایش سرزمین (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰) کمک کنند. البته لازم است در کنار این امر، سایر سازوکارهای تامین مالی همچون مسیر بازار سرمایه هم به طور جدی دنبال گردد و تنها به نظام بانکی اکتفا نشود. چرا که اتکای کامل بخش صادرات غیرنفتی به تأمین مالی نظام بانکی، خود از جمله موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور به حساب می‌آید.

۴-۱-۱۰. هدایت تسهیلات خرد بانکی به منظور تشویق مشتریان به خرید کالاهای ایرانی

یکی از لوازم تحقق اقتصاد مقاومتی، توجه به اقتصاد ملی و کالاهای ایرانی است. مهم‌ترین نقشی که نظام بانکی می‌تواند در این زمینه ایفا کند، آن است که در بخش تخصیص منابع برای خرید کالاهای خرد، به گونه‌ای سیاست‌گذاری نماید که مشتریان و متقاضیان تسهیلات بانکی، در خرید کالاهای مصرفی به سمت محصولات و کالاهای داخلی گرایش یابند تا از این طریق، تولید ملی تقویت شود. اجرای طرح‌های مناسب کارت اعتباری خرید کالاهای ایرانی برای مشتریان خرد از یک سو و نیز کارت‌های تجاری برای تأمین مالی سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای با کیفیت نقش مهمی در این زمینه دارد.

۴-۱۱. هدایت تسهیلات کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی کمبود نقدینگی از مهمترین موانعی است که همواره به عنوان دغدغه تولیدکنندگان داخلی مطرح بوده است و لازمه رفع این مشکل آن است که سیاستگذاری‌های نظام بانکی بیشتر به سمت حمایت از فعالیتهای تولیدی متمایل باشد. بدیهی است اعتبارسنجی، اخذ وثایق مورد نیاز و نظارت بر حسن استفاده از منابع تسهیلات بر کارآمدی این سیاست می‌افزاید. شبکه بانکی می‌تواند با اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط، تسهیلات خرد، تسهیلات سبز (جهت حمایت از محیط زیست) و انواع تسهیلات دیگر، تولیدکنندگان داخلی را به ویژه در شرایط تحریم یاری دهد. ناگفته پیداست که در کنار اعطای تسهیلات باید سازوکار مناسب برای نظارت بر مصرف تسهیلات نیز در نظر گرفته شود تا تسهیلات به صورت هدفمند استفاده شود. مرور تجربه نه‌چندان خوشایند طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده و انحراف برخی از منابع تسهیلاتی به فعالیتهای غیرتولیدی و کم‌بازده ضرورت این امر را بیشتر نشان می‌دهد.

۴-۱۲. شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی

هر اقتصادی در بستر عدم شفافیت و نظارت کافی قوای نظارتی، دچار فساد، رشوه، رانت‌خواری، ویژه‌خواری و اختلاس می‌شود و زمینه سرمایه‌گذاری و تولید فعال در آن کاهش می‌یابد. از این‌رو ارتقای سطح شفافیت و سلامت نظام بانکی، دقت بیشتر بر کنترل و حسابرسی داخلی، توجه بهتر به مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و جلوگیری از بروز انواع مفاسد پولی و بانکی برای عملیاتی‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. راه‌اندازی سامانه‌های الکترونیکی نظارتی به منظور رصد جریان مبادلات مالی و وجوه در داخل نظام بانکی و نیز بین نظام بانکی و سایر ارکان اقتصادی، می‌تواند نقش عمده‌ای در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصادی ایفا کند و از بسیاری مفاسد پیش از وقوع آنها جلوگیری نماید.

۴-۱-۱۳. بالا بودن سطح کمی و کیفی سرمایه بانکها

کمیت و کیفیت سرمایه بانکها موجب می شود تا بانکها در شرایطی که تکانه‌ها، تنش‌ها، شوک‌ها و بحران‌های مالی در اقتصاد شیوع می‌یابند، آسیب‌پذیری کمتری داشته باشند. تأکید مکرر اصول توافقنامه‌های بال بر افزایش کیفیت و کفایت سرمایه، حاکی از این نکته مهم است که مقاوم‌سازی اقتصاد ملی نیازمند ارتقای این دو سطح از سرمایه‌های بانکی می‌باشد. مطلوب است نسبت کفایت سرمایه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در رتبه‌بندی بانکها مدنظر قرار گیرد و بانک مرکزی تأکید و نظارت جدی‌تری برای افشای درست اطلاعات کفایت سرمایه در گزارش‌های مدیریت ریسک بانکها داشته باشد.

۴-۱-۱۴. توزیع عادلانه منابع بانکی

با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که عدالت یکی از محورهای مهم تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور است. توزیع منابع و تسهیلات بانکی در سرتاسر کشور و عدم تمرکز آن تنها در برخی از استانها و شهرهای پرجمعیت و با نفوذ در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، از جمله دیگر پیشنهادهایی است که به منظور اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به نظام بانکی کشور توصیه می‌شود. بانک مرکزی نیز می‌تواند با سیاست‌های تشویقی خود، آن دسته از بانکها و مؤسساتی که با توزیع عادلانه منابع، اهتمام بیشتری به اجرای مسئولیت‌های اجتماعی خود دارند را مورد حمایت قرار دهد.

۴-۱-۱۵. وجود چارچوب مناسب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در نظام بانکی

مدیریت ریسک نه تنها موجب کاهش آسیب‌پذیری بانکها در مقابل انواع ریسک‌های احتمالی می‌گردد، بلکه زمینه استفاده از ظرفیت‌های بالقوه برای ثروت‌آفرینی بیشتر را نیز مهیا می‌سازد. امروزه استانداردهای بین‌المللی (همچون استانداردهای تدوین شده توسط کمیته بال و کمیته کوزو) نیز بر ضرورت مدیریت مناسب ریسک‌های مهم بانکی

مانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک بازار و همچنین ایجاد چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی مسئولانه برای تنظیم روابط ذی‌نفعان بانکی تأکید دارند.

۴-۲. عوامل میان‌نهادی

۴-۲-۱. هم‌آهنگی نهادهای نظارتی و قضایی در مقاوم‌سازی نظام بانکی

برای هر حرکت بزرگ و ملی، وجود هماهنگی و انسجام ضروری است. با توجه به اهمیت نظارت و بازرسی در جلوگیری از وقوع تخلفات و فسادهای مالی لازم است که تمامی نهادهای نظارتی و قضایی با وحدت رویه بستری آرام و مطمئن را برای فعالیت نظام مالی و بانکی کشور فراهم سازند. بدیهی است موازی‌کاری، تداخل مسئولیت‌ها و نیز تشدد و تضاد قوانین و مقررات از کارایی این نهادهای حیاتی در کشور می‌کاهد. برای نمونه در زمینه‌هایی مانند وصول مطالبات غیرجاری، مبارزه با پول‌شویی و مفاسد بانکی، تشخیص متخلفان واقعی و برخورد قاطع با آنها به همکاری تنگاتنگ بانک مرکزی، قوه قضاییه و نهادهای نظارتی نیازمند است.

۴-۲-۲. اثربخش بودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی

بدون یک بستر حقوقی مطلوب نمی‌توان توقع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور را داشت. صنعت بانکداری یک صنعت پویا است و با نوآوری‌های مالی صورت گرفته در سالیان اخیر روزبه‌روز بر پیچیدگی آن افزوده شده است. از این رو لازم است بسیاری از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی با نگاهی مبتنی بر اصول اقتصاد مقاومتی بازبینی، اصلاح شود.

افزون بر این تدوین قوانین و مقررات مناسب نه تنها در سطح خود بانک‌ها بلکه در سطح کلان همچون تنظیم رابطه بین دولت و بانک مرکزی، رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها و رابطه بانک‌ها با یکدیگر جهت مقاوم‌سازی نظام بانکی امری ضروری است.

۴-۲-۳. وجود فضای سالم رقابتی در شبکه بانکی

رقابت از مهمترین عناصر مؤثر در ایجاد رونق، توسعه و تقویت نظام مالی است. رقابت مانند شمشیر دو لبه‌ای است که اگر به صورت صحیح و سالم جریان یابد موجب پیشرفت و بالندگی و مقاوم‌سازی اقتصاد شده و اگر به صورت ناصحیح و مفسدانه انجام پذیرد بسترساز بحران و تکانه‌های تلاطم‌آور در نظام مالی کشور می‌شود. از این رو وجود فضای سالم رقابتی در نظام بانکی به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده اقتصاد مقاومتی می‌تواند نقش آفرین باشد. این رقابت باید در عرصه‌هایی انجام شود که منافع ذی‌نفعان بانک را در مجموع به طور متعادل و در سطحی بالاتر، منفعت کل جامعه را افزایش ببخشد. برای مثال رقابت نادرست و خارج از قانون و قاعده جهت جذب منابع بیشتر، گرچه در سطح خرد می‌تواند برای مشتریان جذاب باشد، ولی ممکن است تبعات آن همچون سرایت تخلفات به سایر فعالیت‌های بانکی، ایجاد فضای بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی، دامنگیر کل جامعه شود.

۴-۲-۴. یکپارچگی، اتحاد و انسجام نظام بانکی در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی

به منظور تحقق اقتصاد لازم است اتحاد و انسجام درون بخش‌های مختلف نظام بانکی در سطح مطلوبی قرار داشته باشد. بانک‌ها باید به دنبال آن باشند که ضمن اجرای صحیح فعالیت‌های متداول بانکی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را نیز در نظام بانکی تعقیب نمایند و این امر، هماهنگی بین بانک‌ها و کل شبکه بانکی را می‌طلبد. برای مثال وقتی سیاستی از سوی بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ می‌شود، بانک‌ها باید در اجرای آن سیاست به صورت هماهنگ و یکپارچه، مقام ناظر شبکه بانکی را در اجرای سیاست‌ها همراهی کنند.

فعالیت متداول بانک‌ها نباید مانعی در راه تحقق هدف واحد کلیت نظام بانکی در مسیر تحقق اجرای اقتصاد مقاومتی باشد. نمونه بروز عدم اتحاد بین بانک‌ها، در بحث دریافت نکردن کارمزد از پایانه‌های فروش (P.O.S) است که در یک مقطع زمانی از

سوی برخی بانک‌ها اجرا شد و موجب پدید آمدن فرهنگ نادرستی در زمینه دریافت کارمزد خدمات بانکی گردید. همچنین بانک مرکزی وظیفه دارد برای اتحاد و انسجام نظام بانکی و هم‌سو کردن فعالیت‌های بانک‌ها با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی و نظارت کافی را انجام دهد.

۴-۲-۵. هم‌آهنگی بازار پول و سرمایه

روشن است که نظام بانکی به تنهایی نمی‌تواند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در کشور اجرایی سازد. باید بین بخش‌های اقتصادی مرتبط با شبکه بانکی اعم از نظام مالیاتی، نظام گمرکی، نظام آموزشی، بخش صنعت، بخش خدمات، تعاونی‌ها، بخش خصوصی و... هماهنگی وجود داشته باشد و هر عنصر این شبکه باید بکوشد تا نقش خود در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به خوبی ایفا کند. اتصال سامانه‌های اطلاعاتی نهادهای مزبور به شبکه بانکی، هم می‌تواند به شبکه بانکی در ارائه خدمات به مشتریان کمک کند و هم نهادهای مزبور می‌توانند رویه‌های خود را با همکاری شبکه بانکی بهتر انجام دهند. برای مثال در صنعت بانکداری امروزه مباحثی چون بانکداری باز مطرح می‌شود که در آن بانک به صورت سفارشی نرم‌افزارها و خدماتی را برای یک صنعت یا شرکت خاص مانند صرافی، بیمه و... ارائه می‌دهد و هر دو طرف از منافع حاصل همچون افزایش سرعت و کیفیت عرضه خدمات بهره‌مند می‌شوند.

۴-۳. عوامل فرانهادی

۴-۳-۱. وجود نقشه راه عملیاتی نظام بانکی متناسب با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
هر حرکت ملی و بزرگ، نیازمند برنامه‌ریزی و تدوین نقشه راه عملیاتی با در نظر گرفتن همه ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت آن حوزه است. از این‌رو لازم است که بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر بازار پول، با اشرافی که به نظام

بانکی دارد تدوین نقشه راه عملیاتی نظام بانکی در پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار دهد.

۴-۳-۲. اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا

با توجه به پیوند اقتصاد مقاومتی با فرهنگ اسلامی ایرانی، لازم است که نظام بانکی کشور گام‌های جدی‌تری در مسیر تحقق کامل بانکداری اسلامی بردارد. تطبیق روش‌ها و الگوهای استفاده شده در نظام بانکی با اصول اسلامی در واقع به معنای انطباق سازوکارهای توزیع منابع مالی و سیاست‌های پولی با قواعد دینی و الهی است که در نهایت به اسلامی شدن هرچه بیشتر روابط حاکم بر مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می‌انجامد. به تازگی طرحی تدوین شده است که به اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته و هم‌اکنون در مرحله بررسی و تصویب قرار گرفته است. توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در این اصلاحیه می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد.

۴-۳-۳. فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه درباره مسائل بانکی

پنداشت مردم نسبت به ربوی بودن نظام بانکی، عنصر اعتماد را که مهم‌ترین سرمایه نظام بانکی است، خدشه‌دار می‌کند. از این‌رو لازم است تا با فرهنگ‌سازی عمومی و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه، ضمن ایجاد اعتماد در عموم مردم، زمینه مطالبه عمومی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی فراهم شود. در واقع یکی از عناصر اصلی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، عنصر فرهنگ و عزم عمومی جدی در جامعه برای دستیابی به این هدف است.

۴-۳-۴. مدیریت صحیح نوسان‌های ارزی

نوسانات شدید ارزی یکی از دلایل بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران اقتصادی کشور است و منجر به خروج سرمایه‌ها از کشور می‌شود. از

آنجا که برای محقق شدن اقتصاد مقاومتی به سرمایه‌های کلان نیاز شایانی وجود دارد، بایستی با بسترسازی هدفمند رژیم ارزی در کشور، عدم اطمینان این بازار را حتی‌الامکان کنترل نموده و ثبات بیشتر را به عنوان عاملی مهم در تصمیم‌سازی فعالان و سرمایه‌گذاران اقتصادی فراهم نمود. در این راستا اقداماتی از قبیل طراحی ابزارهای پوشش ریسک ارز و ایجاد کریدور ارزی مناسب به نظر می‌رسد.

۴-۳-۵. مدیریت حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم

در یک اقتصاد مقاوم، برای اینکه اقتصاد مبتنی بر نیروهای درونی (درونزا) و پیشرو باشد، به ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم، نیاز وافر دارد. همگرایی و هدفگذاری بلندمدت در سیاست‌های پولی، کاهش سلطه مالی دولت، استقلال بیشتر بانک مرکزی، تأمین کسری بودجه دولت از طریق بازار سرمایه و ابزارهای مالی اسلامی همچون صکوک از جمله راهکارهای پیشنهادی برای کنترل نقدینگی و تورم و در نتیجه کمک به ثبات پولی در کشور به شمار می‌رود.

بدیهی است اقتصادی که برای سالیان متمادی گرفتار نرخ‌های بالای تورم است هرگز نمی‌تواند خود را اقتصادی مقاوم و مستحکم برشمارد.

۴-۳-۶. رصد برنامه تحریم بانکی و پیش‌بینی تهدیدها

یکی از بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به رصد تحریم‌های اقتصادی جهت آماده‌سازی و مقابله هرچه بهتر با آنان مربوط است. تحریم‌های اقتصادی عموماً با کاهش میزان دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به نهادهای اساسی تولید، موجب افزایش هزینه تولید شده و سرمایه‌های اقتصاد را از چرخه تولیدمحوری دور می‌سازد. افزون بر این جنبه، بخش مهمتری از تحریم‌ها با ویژگی‌هایی همچون هوشمندی و فلج‌کنندگی درصدد ایجاد خلل در فعالیت نهادهای مهم و بزرگ اقتصادی است. نگاهی جامع به محتوای تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران، نشانگر این واقعیت است که وزارت نفت و بانک مرکزی به عنوان دو نهاد مهم و تأثیرگذار اقتصادی بیش از سایر

بخش‌ها هدف اعمال تحریم‌ها قرار داشته‌اند. از این‌رو لازم است شبکه بانکی و به‌ویژه بانک مرکزی با رصد برنامه‌های تحریم بانکی، راه‌های مقابله با اثرات مخرب اینگونه تحریم‌ها را شناسایی و با استفاده از ظرفیت‌های علمی و عملیاتی موجود در نظام بانکی کشور، راه‌های مقاوم‌سازی را پیش‌بینی و طراحی نماید.

۴-۳-۷. اثربخشی ارتباطات بین‌المللی در شبکه بانکی

عده‌ای از اقتصاد مقاومتی چنین تعبیر می‌کنند که این اقتصاد توصیه به قطع ارتباط با دنیای بیرون و اتکای صرف به داخل کشور را دارد. ولی باید توجه داشته باشیم که این امر نه از لحاظ منطق اقتصادی پذیرفته است و نه چنین چیزی در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی وجود دارد. این امر در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، از صفت برون‌گرایی استنباط می‌شود تا برخی از افراد چنین برداشت نکنند که درون‌زا بودن به معنی قطع ارتباط با کشورهای دیگر است. ارتباط در ضمن اینکه استقلال و عزت اقتصادی حفظ شود، هیچ ایرادی ندارد و ما می‌توانیم با کشورهای دیگر جهان ارتباط مناسب و سازنده داشته باشیم و اتفاقاً یکی دیگر از شاخص‌هایی که برای مقاوم‌سازی نظام اقتصادی به نظر می‌رسد، ارتباط با کشورهای اسلامی دیگر است.

در نظام بانکی نیز برون‌گرایی و ارتباط با بخش بانکداری بین‌الملل ضمن حفظ استقلال و عزت اقتصادی کشور، نه تنها مشکلی ندارد، بلکه از جمله اقدامات و شاخص‌هایی است که برای مقاوم‌سازی نظام بانکی باید مدنظر قرار گیرد. در این راستا نظام بانکی کشور می‌تواند با مؤسسات مالی اسلامی بین‌المللی همانند بانک توسعه اسلامی، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی ارتباطات علمی و همکاری‌های اجرایی سازنده‌ای داشته باشد تا فشارهای ناشی از تحریم‌های ظالمانه بر اقتصاد کشور کمتر شود.

۵. اولویت‌بندی عوامل

به منظور اولویت‌بندی عوامل، از خبرگان خواسته شد تا اهمیت هر یک از عوامل را مشخص کنند. سپس بر اساس جدول ۱ اعداد قطعی متناظر هر رتبه به اعداد فازی مثلثی تبدیل شدند و سپس مبنای روش تاپسیس فازی قرار گرفتند.

جدول (۱): مقادیر فازی مورد استفاده برای تعیین اهمیت عوامل

توصیف	عدد قطعی	عدد فازی مثلثی
خیلی کم	۱	(۰ و ۰ و ۲۰)
کم	۲	(۰ و ۲۰ و ۴۰)
متوسط	۳	(۳۰ و ۵۰ و ۷۰)
زیاد	۴	(۶۰ و ۸۰ و ۱۰۰)
خیلی زیاد	۵	(۸۰ و ۱۰۰ و ۱۰۰)

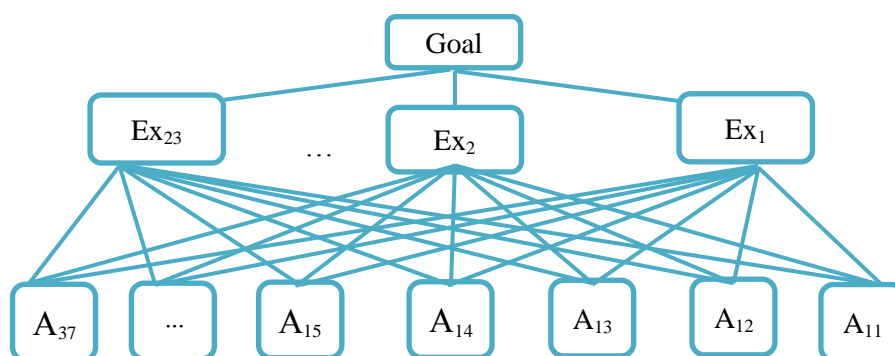
پیش از تحلیل نتایج تحقیق، روایی و پایایی پرسشنامه ارزیابی شده است. در این تحقیق برای سنجش روایی پرسشنامه، روایی صوری از طریق ارائه آن به خبرگان و دریافت نظرات مثبت آنها مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از دو روش ضریب آلفای کرونباخ و روش گاتمن استفاده شده است. براساس برآورد انجام شده در نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵۶ است که سطح بالایی از پایایی را نشان می‌دهد. همچنین مقادیر ضریب لاندا در روش گاتمن نیز عموماً از ۰/۸۲ بیشتر بوده است.

در ابتدا به منظور تشکیل ساختار سلسله مراتبی، متغیرهای تحقیق براساس جدول (۲) نامگذاری شده‌اند.

شایان ذکر است در این ساختار، خبرگان تحقیق به عنوان معیارهای اصلی و عوامل مؤثر به عنوان گزینه‌ها تعریف شده‌اند (شکل ۱).

جدول (۲): نمادگذاری متغیرهای تحقیق

نماد	متغیر	سطح
Goal	اولویت‌بندی عوامل موثر بر تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی ایران	هدف اصلی
Ex ₁	خبره اول	سطح اول: معیارهای اصلی
Ex ₂	خبره دوم	
...	...	
Ex ₂₃	خبره بیست و سوم	
A ₁₁	پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی	سطح دوم: گزینه‌ها
A ₁₂	استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان	
A ₁₃	عدم ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها	
...	...	
A ₃₇	اثر بخشی ارتباطات بین‌المللی در شبکه بانکی	



شکل (۱): ساختار سلسله مراتبی عوامل موثر بر تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی ایران

نتایج به دست آمده در مراحل مختلف روش تاپسیس فازی به شرح ذیل است:

(۱) تشکیل ماتریس تصمیم

	Ex ₁	...	Ex ₂₃
A ₁₁	(۸۰, ۱۰۰, ۱۰۰)	...	(۳۰, ۵۰, ۷۰)
...
A ₃₇	(۶۰, ۸۰, ۱۰۰)	...	(۳۰, ۵۰, ۷۰)

۲) تعیین ماتریس وزن

برای تعیین وزن معیارها (خبیرگان)، بر اساس سطح تحصیلات و سابقه کاری، اعداد مربوطه تخصیص یافت.

تحصیلات		کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری و بالاتر
سابقه کاری (سال)	۱ تا ۲			
۱۰ به بالا	۵	۴	۸	۱۲
۸ تا ۱۰	۴	۳	۶	۹
۶ تا ۸	۲	۲	۴	۶
۳ تا ۵	۱	۲	۴	۶
۱ تا ۲	۱	۱	۲	۳

اعداد جدول فوق بر اساس مجموع مقادیر جدول به صورت نرمال تبدیل شده‌اند. این اعداد به صورت اعداد قطعی در ماتریس تصمیم نرمال شده ضرب می‌شوند.

تحصیلات		کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری و بالاتر
سابقه کاری (سال)	۱ تا ۲			
۱۰ به بالا	۰/۰۵۶	۰/۰۴۴	۰/۱۱۱	۰/۱۶۷
۸ تا ۱۰	۰/۰۴۴	۰/۰۳۳	۰/۰۶۷	۰/۱۳۳
۶ تا ۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	۰/۰۶۷	۰/۱۰۰
۳ تا ۵	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲	۰/۰۴۴	۰/۰۶۷
۱ تا ۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲	۰/۰۳۳

۳) بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم فازی

	EX_1	...	EX_{23}
A_{11}	(۰/۸, ۱, ۱)	...	(۰/۳, ۰/۵, ۰/۷)
...
A_{37}	(۰/۶, ۰/۸, ۱)	...	(۰/۳, ۰/۵, ۰/۷)

۴) ماتریس فازی وزندار

	Ex_1	...	Ex_{23}
A_{11}	(۰/۰۳۶, ۰/۰۴۴, ۰/۰۴۴)	...	(۰/۰۲۰, ۰/۰۳۳, ۰/۰۴۷)
...
A_{37}	(۰/۰۲۷, ۰/۰۳۶, ۰/۰۴۴)	...	(۰/۰۲۰, ۰/۰۳۳, ۰/۰۴۷)

۵) راه‌حل ایده‌آل فازی و راه‌حل ضدایده‌آل فازی

	Ex_1	...	Ex_{23}
راه‌حل ایده‌آل فازی	(۰/۰۴۴, ۰/۰۴۴, ۰/۰۴۴)	...	(۰/۰۶۷, ۰/۰۶۷, ۰/۰۶۷)
راه‌حل ضدایده‌آل فازی	(۰/۰۱۳, ۰/۰۱۳, ۰/۰۱۳)	...	(۰/۰۰۰, ۰/۰۰۰, ۰/۰۰۰)

۶) فاصله از راه‌حل ایده‌آل و ضدایده‌آل فازی

فاصله از راه‌حل ایده‌آل فازی					فاصله از راه‌حل ضدایده‌آل فازی				
	Ex_1	...	Ex_{23}	\tilde{S}_i^*		Ex_1	...	Ex_{23}	\tilde{S}_i^-
A_{11}	۰/۰۰۵	...	۰/۰۳۵	۰/۳۲۹	A_{11}	۰/۰۲۸	...	۰/۰۳۵	۰/۰۹۲۶
...
A_{37}	۰/۰۱۱	...	۰/۰۳۵	۰/۴۱۵	A_{37}	۰/۰۲۳	...	۰/۰۳۵	۰/۸۵۵

۷) شاخص شباهت و شاخص شباهت نرمال شده

	CC_i	Normalized CC_i
A_{11}	۰/۷۳۸	۰/۰۴۳
...
A_{37}	۰/۶۷۴	۰/۰۳۹

۸) رتبه‌بندی عوامل

پس از مرتب کردن مقادیر شاخص شباهت نرمال شده، اولویت عوامل به ترتیب از بیشترین به کمترین حاصل شده است (جداول ۳ و ۴).

جدول (۳): اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی

ردیف	نام عامل	ردیف	نام عامل
۱	شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی	۱۵	بالا بودن سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها
۲	استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان	۱۶	اثربخش بودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی
۳	پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی	۱۷	وجود نقشه راه عملیاتی نظام بانکی متناسب با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۴	بالا بودن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در نظام بانکی	۱۸	هم‌آهنگی بازار پول و سرمایه
۵	مقاوم‌سازی و بومی‌سازی بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات در نظام بانکی	۱۹	یکپارچگی، اتحاد و انسجام نظام بانکی در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی
۶	وجود فضای سالم رقابتی در شبکه بانکی	۲۰	سهولت رویه‌های بانکی جهت تشویق صادرات
۷	مدیریت حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم	۲۱	هدایت تسهیلات کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی
۸	وجود چارچوب مناسب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در نظام بانکی	۲۲	توزیع عادلانه منابع بانکی
۹	اثربخشی ارتباطات بین‌المللی در شبکه بانکی	۲۳	اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا
۱۰	هم‌آهنگی نهادهای نظارتی و قضایی در مقاوم‌سازی نظام بانکی	۲۴	تناسب سطح کمی نیروی انسانی در نظام بانکی به منظور مدیریت هزینه‌ها
۱۱	مدیریت صحیح نوسان‌های ارزی	۲۵	هدایت تسهیلات خرد بانکی به منظور تشویق مشتریان به خرید کالاهای ایرانی
۱۲	وجود سازوکارهای مناسب اطمینان‌بخشی به سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها	۲۶	عدم ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها
۱۳	فعالیت‌های پژوهش و توسعه در راستای	۲۷	فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان اقتصاد

مقاومتی در جامعه درباره مسائل بانکی	مقاوم‌سازی نظام بانکی	
	رصد برنامه تحریم بانکی و پیش‌بینی تهدیدها	۱۴

جدول (۴): اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی به تفکیک زیرمجموعه‌ها

ردیف	عوامل درون‌نهادی	ردیف	عوامل میان‌نهادی
۱	شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی	۱	وجود فضای سالم رقابتی در شبکه بانکی
۲	استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان	۲	هم‌آهنگی نهادهای نظارتی و قضایی در مقاوم‌سازی نظام بانکی
۳	پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی	۳	اثربخش بودن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی
۴	بالا بودن سطح کیفی و توانمندی نیروی انسانی در نظام بانکی	۴	هم‌آهنگی بازار پول و سرمایه
۵	مقاوم‌سازی و بومی‌سازی بانکداری الکترونیک و فناوری اطلاعات در نظام بانکی	۵	یکپارچگی، اتحاد و انسجام نظام بانکی در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی
۶	وجود چارچوب مناسب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در نظام بانکی		
۷	وجود سازوکارهای مناسب اطمینان‌بخشی به سپرده‌گذاران در جهت صیانت از سپرده‌ها		
۸	فعالیت‌های پژوهش و توسعه در راستای مقاوم‌سازی نظام بانکی	۱	مدیریت حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم
۹	بالا بودن سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها	۲	اثربخشی ارتباطات بین‌المللی در شبکه بانکی
۱۰	سهولت رویه‌های بانکی جهت تشویق صادرات	۳	مدیریت صحیح نوسان‌های ارزی

۱۱	هدایت تسهیلات کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی	۴	رصد برنامه تحریم بانکی و پیش‌بینی تهدیدها
۱۲	توزیع عادلانه منابع بانکی	۵	وجود نقشه راه عملیاتی نظام بانکی متناسب با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۱۳	تناسب سطح کمی نیروی انسانی در نظام بانکی به منظور مدیریت هزینه‌ها	۶	اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا
۱۴	هدایت تسهیلات خرد بانکی به منظور تشویق مشتریان به خرید کالاهای ایرانی	۷	فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه درباره مسائل بانکی
۱۵	عدم ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها		

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا مهم‌ترین مؤلفه‌ها و اقدامات مؤثر در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی بررسی و تبیین شود. براساس نتایج پژوهش، شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی، استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان و پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کشور به حساب می‌آید که هر سه این عوامل مربوط به عوامل درون نهادی می‌باشد. در بخش عوامل میان‌نهادی وجود فضای سالم رقابتی در شبکه بانکی و هم‌آهنگی نهادهای نظارتی و قضایی در مقاوم‌سازی نظام بانکی به عنوان مهم‌ترین عوامل شناخته شده است. افزون بر این در بخش عوامل فرانهادی، مدیریت حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی با هدف کنترل تورم و نیز اثربخشی ارتباطات بین‌المللی در شبکه بانکی از مهم‌ترین این عوامل می‌باشد. شایسته است مسئولان نظام بانکی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را به

عنوان بایسته‌ای خطیر مدنظر قرار دهند و فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را با هدف تحقق این سیاست‌ها ساماندهی نمایند.

یادداشت‌ها

1. Economic Anti-fragility
2. Sustainable & Persistent Economy
3. Economy Solidarity
4. Macroeconomic Stability
5. Economic Deterrence
6. Robustness of Institutions & Economies
7. Stationary in Economics
8. Steady State Economy
9. Sanctions Busting
10. Protectionism
11. Basel Accords
12. Basel Committee on Banking Supervision
13. Buffer
14. Fuzzy TOPSIS

کتابنامه

- آذر، عادل و علی رجب‌زاده (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری کاربردی با رویکرد *MADM*، تهران: انتشارات نگاه دانش، چاپ سوم.
- آذر، عادل و حجت فرجی (۱۳۸۶)، علم مدیریت فازی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، چاپ دوم.
- ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروندی (۱۳۹۲)، «اوراق دوسویه ارزی، رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۰.
- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۱)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ویرایش دوم.
- سیف، اله‌مراد و موسی خوشکلام خسروشاهی (۱۳۹۲)، نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۵۴.
- عطائی، محمد (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری چند معیاره فازی، شاهرود: انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود، ویرایش اول.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۳)، «بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، همایش بررسی ابعاد حقوقی و قانونی اقتصاد مقاومتی، سازمان بسیج حقوق‌دانان.

کرانک، ریپ (۱۳۸۸)، «مصرف‌گرایی و نوسرمایه‌داری»، سیاحت غرب، شماره ۷۰. مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۰)، سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۰.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۲)، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۲.

موسویان، سید عباس و محسن عبداللهی (۱۳۹۲)، «تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور؛ رهیافتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی»، بهبود مدیریت، شماره ۲۰.

Basel Committee on Banking Supervision (1988), "International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards", Bank for International Settlements, Basel.

Basel Committee on Banking Supervision (2004), "Basel II: International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards: a Revised Framework", Basel.

Basel Committee on Banking Supervision (2010), "Basel III: A Global Regulatory Framework for More Resilient Banks and Banking Systems", Basel.

Prioritizing the Factors Affecting Implementation of General Policies of Resistance Economy in Iranian Banking System by Fuzzy TOPSIS Method

Rasool Khansari*
Vahhab Ghelich**

Received: 09/12/2015
Accepted: 01/03/2016

With the formal notification of "Resistance Economy General Policies", there are now fresh incentives for the conversion of Iranian economy into one based on knowledge, technology and justice, and one which will be more dynamic, showing both endogenous and exogenous growth. This could, in its turn, be presented as an Islamic economic model.

Banking system has a unique role in financing economic activities and allocating financial resources. As one of the main pillars of the financial system in Iran, it can also significantly contribute to realizing and implementing these general policies. This survey, after explanation of the term, diagnoses and ranks the effective factors on the implementation of "Resistance Economy General Policies" in the Banking System. We have benefitted from the related literature and interviews with experts to diagnose these effective factors and rank them by fuzzy TOPSIS method as one of Multiple Criteria Decision Making (MCDM) methods. The conclusion shows the transparency and health of the banking system, customer validation system and low delayed payments in the banking system to be among the most important factors in implementing the Resistance Economy policies.

Keywords: Resistance Economy, Islamic Banking, Banking System, Fuzzy TOPSIS

JEL Classification: E52, G21, H12

* Ph.D. Student of Financial Management, Tehran University (Corresponding Author), r.khansari@gmail.com

** Assistant Professor at Monetary and Banking Research Institute, vahabghelich@gmail.com